

مقاله پژوهشی

نقد نظام اجتماعی خانواده در اشعار پروین اعتصامی براساس نظریه پارسونز

اعظم ایمن فر، علی عشقی سردهی*، سعید روزبهانی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

تیر ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۶، صص ۱۲۳-۱۰۳

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6932

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: پارسونز (۱۹۰۲ م) یکی از نظریه‌پردازان اجتماعی است که دیدگاه‌های او مورد توجه منتقدان اجتماعی در تحلیل جامعه‌شناسانه ادبیات بوده است. او ضمن توجه به مباحث عادی زندگی مردم و ارائه راه‌هایی برای بهبود اوضاع جامعه، مسائل اجتماعی را تحت چهار بخش: نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام شخصیتی و ارگانیسم رفتاری مورد بررسی قرار داده است. **روش مطالعه:** در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و با هدف نقد نظام خانواده در اشعار پروین اعتصامی نگاشته شده است، سعی شده که اشعار پروین از منظر انطباق با نظریه پارسونز تحلیل و بررسی شوند.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اشارات مکرر پروین به خانواده و تأکید بر مقام و نقش مادر، بعنوان درونمایه‌ای پربسامد در دیوان وی دیده می‌شود. ساختار خانواده در دیوان وی از نوع هسته‌ای است که بنابه دلایلی بیشتر به مقام و نقش مادر تأکید شده و نقش پدر بصورت جزئی آمده است. او با بیانی اخلاقی و تعلیمی میکوشد ادراکات خود از خانواده و مخصوصاً مادر را به خواننده خویش ارائه کند.

نتیجه‌گیری: جنبه تمثیلی که پروین به اشعار مربوط به نهاد خانواده داده است، اشاره بسیار کوتاه و محدود به ازدواج و نوع آن، توجه بی‌اندازه به نقش مادر که حتی پرندگان تمثیلی اشعارش نیز در این نقش ظاهر می‌گردند و نه در نقش معشوق از ویژگیهای مهم و خاص اشعار اوست.

تاریخ دریافت: ۲۰ خرداد ۱۴۰۱
تاریخ داوری: ۲۵ تیر ۱۴۰۱
تاریخ اصلاح: ۱۰ مرداد ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۳ شهریور ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

پروین اعتصامی، خانواده، پارسونز، نظام اجتماعی.

* نویسنده مسئول:

eshghi@iaus.ac.ir

۴۴۶۴۸۱۰ (+۹۸ ۵۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Criticism of the family social system in the poems of Parvin Etsami based on Parsoner's theory

A. Eimanfar, A. Eshghi Sardehi*, S. Rozbahani

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 10 June 2022

Reviewed: 16 July 2022

Revised: 01 August 2022

Accepted: 14 September 2022

KEYWORDS

Parvin Etisami, family, parsoner, social system.

*Corresponding Author

✉ eshghi@iaus.ac.ir

☎ (+98 51) 44646810

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Parsoner (1902) is one of the social theorists whose views have been the focus of social critics in the sociological study of literature. While paying attention to the normal issues of people's lives and providing ways to improve the conditions of society, he has investigated social issues under four sections: social system, cultural system, personality system and behavioral organism.

METHODOLOGY: In this article, which is written in a library method and with the aim of criticizing the family system in the poems of Parvin Etisami, an attempt has been made to analyze Parvin's poems from the perspective of conformity with Parsoner's theory.

FINDINGS: The results of the research show that Parvin's frequent references to the family and emphasis on the position and role of the mother are seen as a frequent theme in his divan. The structure of the family in his court is of the nuclear type, which, for some reasons, emphasizes the position and role of the mother, and the role of the father is partially mentioned. He tries to present his perceptions of the family and especially the mother to his reader with a moral and educational expression.

CONCLUSION: The allegorical aspect that Parvin has given to the poems related to the institution of the family, the very short and limited reference to marriage and its type, the immense attention to the role of the mother in which even the allegorical birds of his poems appear in this role - and not in the role of a lover are important features. And his poems are special.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6932](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6932)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
		
26	0	0

مقدمه

امروزه مسائل اجتماعی و فرهنگی، بعنوان سازوکار مناسب شناخت محیط پیرامون و دیدگاهها، مورد توجه نویسندگان و منتقدان آثار ادبی قرار گرفته است. جامعه از چند نهاد اصلی تشکیل شده که بقای آن را تضمین میکند و بدون این نهادها، جامعه وجود نخواهد داشت. اولین و قدیمیترین نهاد در ساختار هر جامعه‌ای، خانواده است. خانواده، بعنوان اصلیت‌ترین مرکز زندگی افراد و مهمترین و نخستین گروهی که هر فرد با آن در تماس است، در شکلگیری ساختار شخصیتی، اندیشگانی و اجتماعی اشخاص، نقش عمده و ویژه‌ای بر عهده دارد. در این راه، شرایط محیط خانه، طرز تفکر حاکم بر آن، شخصیت افراد متشکله آن و نوع روابط و کنش میان آنها و در سطحی وسیعتر، موقعیت خانواده از نظر پایگاه، طبقه و جایگاه اجتماعی در جامعه‌ای معین، بعنوان شاخصه‌های بسیار مهمی که وجود و اهمیت چنین نقشی را تأیید مینمایند، مطرح میگردند.

خانواده در شکلهی و هدایت رفتار فردی و اجتماعی در بین تمامی نهادها، سازمانها و تأسیسات اجتماعی، نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد. موضوع خانواده و شاخصهای آن، از زمانهای گذشته توجه اندیشمندان و مصلحان اجتماعی را به خود مشغول کرده است. تالکوت پارسونز بعنوان یکی از چهره‌های پرنفوذ در جامعه‌شناسی، در حوزه مباحث مربوط به خانواده به توصیف خانواده هسته‌ای و البته توصیه به آن میپردازد. پارسونز، خانواده را یک پاره نظام از نظام کل جامعه میبیند (نه یک اجتماع کوچک، بریده و منفک از جامعه). به همین جهت در دستگاه فکریش اهمیت زیادی برای آن قائل است؛ زیرا اساساً از نظر پارسونز، وظیفه جامعه‌شناسی، مطالعه جامعه بمثابه یک «نظام» با تمام ویژگیهای آن است. در این مقاله به بررسی نهاد خانواده در اشعار پروین اعتصامی و انطباق آن با نظریه پارسونز پرداخته میشود.

بحث و بررسی

نظریه پارسونز

تالکوت پارسونز (۱۹۰۲ م)، جامعه‌شناس و متفکر آمریکایی، با درهم آمیختن و ترکیب جریانهای گوناگون اندیشه و نظریات اجتماعی قرن نوزدهم و بیستم، نظریه نوینی به نام «نظریه کنش» را برای بررسی جامعه مطرح کرده که بر مبنای چهار بخش نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام شخصیتی و ارگانیسم رفتاری استوار است» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۶۹). از نظر پارسونز، جامعه مهمترین نظام اجتماعی است. او جامعه را «اجتماعی که افراد آن قادرند تمامی نیازهای فردی و اجتماعی خود را تأمین کنند و در آن زندگی نمایند» تعریف میکند (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۲۹). پارسونز معتقد بود هر جامعه‌ای از یک‌خرده نظام تشکیل شده که از نظر ساختار و کارکرد متفاوتند. با گذشت زمان و پیشرفتهای جامعه، خرده‌نظامهای جدید نیز تمایز مییابند و قضاوتهای مردم، قشرهای اجتماعی را تعیین میکند. وی دنیای اجتماعی را از زاویه افکار مردم، بخصوص هنجارها و ارزشها مشاهده میکرد (ولک و وارون، ۱۳۷۳: ۱۰۰). در نظریه پارسونز، جامعه متشکل از افراد کنشگری است که اهداف مشترکی دارند. این اهداف مشترک، قطعاً برحسب نیازهای مشترک حاصل شده است. بنابراین راهها و اهداف مشخصی وجود دارد که مورد توافق جمع قرار گرفته و بوسیله قراردادهای اجتماعی خودآگاه یا ناخودآگاه در جامعه مسلط شده است (پارسونز، ۱۳۷۶: ۲۲). بر این اساس در نظام اجتماعی پارسونز، دو عنصر مهم دیده میشود: «یکی انسانهایی که کنشگر هستند ولی در قالب سیستمهای کوچک عمل میکنند و دیگری اهداف مشترکی که مسلم تلقی میشود و انسان باید راهی را انتخاب کند که به اهداف مشترک برسد» (تنهایی، ۱۳۷۷: ۱۸۱). او تلاش میکرد بفهمد چگونه این

نهاده‌ها به همنوایی اجتماعی، انسجام و ثبات جامعه کمک می‌کنند. از نظر او، جامعه به بخش‌های کوچکی تقسیم می‌شود و با بررسی این ساختارهای کوچک، میتوان به نگاهی کلی و جامع دربارهٔ جامعه دست یافت و آن را به سایر جوامع نیز تعمیم داد. وی از محدود متفکرانی است که مرزهای تنگ جامعه‌شناسی را از میان برداشته و با سایر شاخه‌های علوم انسانی رابطه برقرار کرده است. وی معتقد است «قضاوت‌های ذهنی دیگران، قشرهای اجتماعی را تعیین میکند؛ بنابراین اشخاص بافضیلت و متصدیان ارجمندترین مشاغل، از پایگاه اجتماعی بالاتری برخوردارند» (پارسونز، ۱۳۷۶: ۲۵۸). پارسونز، حیات اجتماعی را نوع خاصی از یک موجود زنده میداند که برای رفع نیاز آن باید تلاش کرد. وی دنیای اجتماعی را از زاویهٔ افکار مردم، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده میکند. هنجارها، قواعدی اجتماعاً پذیرفته شده‌اند که مردم آنها را به کار می‌برند تا دربارهٔ کنش‌های خود تصمیم‌گیری کنند (همان: ۱۳۲).

پارسونز معتقد است تمام نظریات «در حال حرکت بسمت نوعی نظریهٔ اراده‌گرایانهٔ کنش هستند که در آن انسانها انتخاب‌کننده و تصمیم‌گیرنده در مورد اهداف گوناگون و وسایل مختلف برای رسیدن به آنها هستند. او اندیشهٔ کنش را به مفهوم نظام اجتماعی بسط میدهد و میگوید نظام اجتماعی، حول هنجارها و ارزش‌هایی ساخته میشود که بخشی از محیط کنشگران را تشکیل میدهد. از نظر او، کنش نوعی رفتار است که جنبهٔ آگاهانه دارد» (استونز، ۱۳۸۵: ۲۳۵). در حقیقت اگر نظریه‌های کارکردگرایی و تضاد، بر ساختارهایی تأکید میکنند که سنگ زیرین جامعه هستند و بر رفتار انسان مؤثرند، نظریه‌های کنش اجتماعی به کنش و کنش متقابل اعضای جامعه در شکل دادن به این ساختارها توجه بیشتری میکند. در اینجا نقش و وظیفهٔ جامعه‌شناسی، درک معنای کنش و کنش متقابل اجتماعی دانسته میشود، نه تبیین اینکه کدام نیروهای بیرونی، مردم را وادار به عمل کردن به شیوه‌های فعلی میکنند (مخبر، ۱۳۷۸: ۱۴۹). اگر کارکردگرایی و نظریهٔ تضاد، مدلهایی از چگونگی عملکرد جامعه بعنوان یک کلیت فراهم میکنند، نظریه‌های کنش اجتماعی، متوجه تحلیل چگونگی رفتار کنشگران فردی و جهتگیری آنان در قبال یکدیگر و جامعه است (گیدنز، ۱۳۹۰: ۲۴). پارسونز از میان کنش‌ها، کنش متقابل اجتماعی را مورد توجه قرار میدهد و فرد را در مرکز این نظریه قرار میدهد. او بطور کلی در ارتباط با زندگی اجتماعی، چهار نوع کنش نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام شخصیتی و ارگانیسم رفتاری را مطرح مینماید. (پارسونز، ۱۳۷۶: ۲۴) و برای این نظامها «کارکردهایی را بعنوان جامعه‌پذیری، نظارت اجتماعی، حفظ یکپارچگی و انسجام در درون نظامهای اجتماعی برمی‌شمرد» (اسمیت، ۱۳۸۶: ۲۸).

از نظر پارسونز، نظام اجتماعی، مجموعه‌ای است از کنشگران فردی که در موقعیتی معین که بواسطهٔ یک نظام ساختاربندهٔ فرهنگی و نمادهای مشترک با یکدیگر مرتبط میگردند، به کنش متقابل پرداخته و برحسب گرایش به ارضای حد مطلوب برانگیخته میشوند. در نظام اجتماعی، مسائل مربوط به جامعه مطرح میشود. «پارسونز، اجتماعی شدن را یک تجربهٔ سازنده می‌انگارد و چنین تصور میکند که کنشگران در فرایند اجتماعی شدن، گیرندگانی تأثیرپذیرند و اجتماعی شدن را فرایندی محافظه‌کارانه میداند که طی آن تمایلات مردم را به جامعه پیوند میدهد و همین نظام اجتماعی، وسایل برآورده شدن این تمایلات را فراهم می‌سازد» (سیدمن، ۱۳۸۷: ۲۰). او در این باره خرده‌نظامهای اقتصاد، سیاست و خانواده را بعنوان شاخه‌هایی از نظام اجتماعی میداند.

پارسونز در بررسی نظام اجتماعی، آمیزهٔ نقش و منزلت را به جای کنش بعنوان واحد بنیادی و عنصر سازندهٔ ساختاری در نظام اجتماعی مطرح نمود و به پدیدهٔ جمعی، هنجارها و ارزش‌ها نیز علاقه نشان داد. وی برای نظام اجتماعی، پیش‌نیازهای کارکردی در نظر گرفته است که براساس آنها بر نظامهای کلان، رابطهٔ متقابل و سازگاری آنها بر یکدیگر، تأثیر عمیقشان بر اعضای خود و همچنین حفظ نظم در چهارچوب نظامها تأکید میکند. همچنین

پارسونز رابطه میان کنشگران و ساختارهای اجتماعی را نیز از نظر دور نداشته و «تلفیق الگوهای ارزشی با تمایلات مبتنی بر نیاز را قضیه بنیادی و پویای جامعه‌شناسی» خوانده است (رتیزر، ۱۳۷۴: ۱۶۸).

خانواده و ساختار آن در نظریه پارسونز

نخستین و مهمترین نهاد در هر جامعه‌ای، خانواده است. دانشمندان از دیرباز به اهمیت این نهاد در ساختار جامعه توجه داشته‌اند و ارسطو خانواده را اساس جامعه میدانست (فروغی، ۱۳۸۵: ۵۸). پارسونز بطور مستقیم از نهاد خانواده نام نمیبرد، بلکه آن را در زیرمجموعه نظام اجتماعی میدانند. برخی دیگر از جامعه‌شناسان نیز این نهاد را در زیرمجموعه نهاد سیاسی قرار داده‌اند (ورد و شرم، ۱۳۶۶: ۱۶). اما آنچه همه محققان بر آن توافق دارند، نقش مهم و تعیین‌کننده خانواده بر جامعه است. اینکه برخی آن را بخشی از نظام سیاسی یا نظام اجتماعی بدانند از اهمیت این نهاد نمی‌کاهد (گرت و میلز، ۱۳۸۰: ۶۲).

نهاد خانواده، نمای فشرده‌ای است از جامعه‌ای معین و فرهنگ مسلط آن و عامل واسطی در جهت انتقال هنجارها و میراث فرهنگی جامعه به افراد. نقش اساسی و غیرقابل‌انکار نهاد خانواده در زندگی فرد که در ارتباطی مستقیم و فراگیر با این نهاد قرار می‌گیرد و همچنین نقش گسترده و تعیین‌کننده آن در تحکیم نظام اجتماعی کل، بقا و پایداری این نهاد را در طول تاریخ تضمین نموده است. در تعریف خانواده آمده است که خانواده، گروهی است شامل افرادی که از طریق پیوند زناشویی و یا پذیرش یکدیگر بعنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل بوده، فرهنگ مشترکی را پدید می‌آورند و در واحد خاصی به نام خانه زندگی میکنند» (ستوده، ۱۳۸۷: ۴۹). از همین رهگذر، خانواده اولین و قدیمیترین واحد در ساختار جامعه است و برای بررسی یک جامعه اصولیترین روش، روش مطالعه و بررسی نهاد خانواده در آن جامعه است. از نظر پارسونز، خانواده همان نظامی است که پویا شدن جامعه در همه جهات را میتواند کنترل کند (اسمیت، ۱۳۸۶: ۲۹)؛ زیرا «خانواده با حرکت مطلوب و سازمان‌یافته خود میتواند الگوی مناسب مصرفی، اقتصادی، تربیتی، تولید و ابتکاری را اعضای خود ایجاد کنند و بدینگونه میزان بهره‌وری عمومی را در سطح خرد و کلان افزایش دهد» (شیخی، ۱۳۸۷: ۸۱). بنابراین دولتها برای ایجاد تحولات و رسیدن به اهداف و وضع مطلوب خود میبایست نظام خانواده را بعنوان رکن اساسی جامعه مورد توجه قرار داده و برای تشکیل، هدایت، تقویت و رشد آن برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کنند» (منصوری، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

جوامع مختلف در سیر زمانی و طی تحولات خود همواره شاهد دو نوع ساختار خانواده برحسب شرایط موجود بوده‌اند:

- ۱- خانواده گسترده: متشکل از اعضای دو یا چند نسل است که براساس پیوندهای نسبی و سببی در کنار هم گرد آمده و یک خانواده را در ابعاد بزرگ تشکیل میدهند.
- ۲- خانواده هسته‌ای: مشتمل بر زن و مرد و فرزندان آنان بوده و در ابعاد کوچکی ساخته میشود (کوئن، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

تفاوت این دو نوع خانواده در ابعاد و کارکردهای آنهاست. در خانواده‌های هسته‌ای با حفظ بعضی کارکردهای خانواده گسترده، سایر کارکردها به خارج از خانه منتقل میشود.

خانواده و ساختار آن در دیوان پروین اعتصامی

در زمان پروین، ساختار خانواده گسترده، که ساختار مسلط و سنتی خانواده‌های ایرانی بود، در سیر تحولات و تحت تأثیر اندیشه‌های مغرب زمین، بتدریج تبدیل به ساختار خانواده هسته‌ای مخصوصاً در شهرها میگردید. بنابراین در دیوان پروین اعتصامی تنها شاهد ساختار خانواده هسته‌ای هستیم:

این خانه پاک پیش از این بود	آرامگه	دو	مرغ	خرسند
از گردش روزگار خشنود	آورده	پدید	بیضه‌ای	چند

(دیوان پروین: ۱۵۱)

کارکردهای خانواده از دید پارسونز

پارسونز، کارکردهای خانواده هسته‌ای را از دو منظر متفاوت مورد بررسی قرار می‌دهد: از منظر جامعه‌شناسی کلان و از نگاه جامعه‌شناسی خرد. به تعبیر رنه گونیک، جامعه‌شناسی کلان خانواده یعنی نگرش به خانواده در ارتباط با کل جامعه، با در نظر گرفتن مناسبات کلی جامعه و جامعه‌شناسی خرد خانواده یعنی نگرش به خانواده بعنوان نظامی خاص با ساختار و کارکرد خاص خود (پارسونز، ۱۹۵۵: ۲۲/عزازی، ۱۳۷۶: ۷۲). جامعه از نظر پارسونز در نگاهی کلان، به افراد دارای هویت اجتماعی نیاز دارد که اولاً جامعه را بسازند (تشکیل دهند) و ثانیاً آن را در جهت اهداف خاص، پیش برند. از آنجا که دست کم در بیشتر موارد و بطور طبیعی، تولید نسل در خانواده رخ می‌دهد، با این نگاه یکی از کارکردهای اساسی خانواده، کارکرد «تولید نسل» خواهد بود. از سوی دیگر، همانطور که از ملاحظه دستگاه فکری پارسونز برمی آید، صرف وجود داشتن یا ایجاد افراد انسانی برای تشکیل و پیشبرد جامعه و رسیدن به اهداف آن کافی نیست، بلکه حتماً باید این افراد اجتماعی تبدیل شوند، یعنی پیوستگی خود با جامعه و نیاز خود به جامعه را درک نمایند و در حقیقت بعد اجتماعی وجود خویش را بشناسند. از همین رو، کارکرد دیگر خانواده در نگاهی کلان، «اعطای هویت اجتماعی به فرزندان» است. بطور خلاصه باید گفت خانواده افراد انسانی اجتماعی را به جامعه تحویل می‌دهد.

اما از منظر جامعه‌شناسی خرد، که در نگاه پارسونزی، مصداق آن در مطالعات مربوط به خانواده، جامعه‌شناسی شخصیت است، دو کارکرد عمده و پراهمیت دیگر دارد: اولین آنها، اجتماعی کردن ابتدایی کودکان است تا شخصیت آنها ظرفیت اجتماعی پیدا کند؛ یعنی بتوانند در اجتماع حاضر شوند. کارکرد دیگر نیز حفظ و تقویت شخصیت بزرگسالان در خانواده است. به اعتقاد پارسونز، براساس همین دو وظیفه اصلی، وظایف هریک از اعضای خانواده (زن، مرد و فرزندان) مشخص می‌گردد. (میشل، ۱۳۵۴: ۸۰).

کارکردهای خانواده در دیوان پروین اعتصامی

پروین تصریح میکند اساس و هدف تشکیل خانواده، فرزندزایی و تربیت آنان است، اما موضوع فرزندزایی اغلب بصورت تمثیلی و زبان مادران تمثیلی (اغلب حیوانات) و با هدف اخلاقی و تعلیمی بیان شده است:

این خانه پاک پیش از این بود	آرامگه	دو	مرغ	خرسند
از گردش روزگار خشنود	آورده	پدید	بیضه‌ای	چند

(دیوان پروین: ۱۵۱)

از نگاه پروین پایگاه اجتماعی افراد متکی بر پایگاه اجتماعی خانواده است، از این رو با توجه به ارتباط تنگاتنگ نهاد خانواده با نظام پایگاهی جامعه، پایگاه اجتماعی افراد، براساس پایگاه اجتماعی خانواده در جامعه و در خلال

این ارتباط معین میشود. پروین به ارتباط مستقیم پایگاه اجتماعی خانواده، بر شکلگیری پایگاه اجتماعی اعضای آن اشاره کرده است، اما این وضعیت در اشعار وی بیشتر از زبان کودکان یتیم بیان میشود:

دختری خرد به مهمانی رفت در صف دخترکی چند خزید
آن یک افکند بر ابروی گره وین یکی جامه به یک سوی کشید...
(دیوان پروین: ۱۹۲)

یکی از عوامل عدم پیشرفت فرزندان یتیم و فقیر، قرار نگرفتن امکانات جامعه در اختیار آنهاست. اگر امکانات جامعه بطور مساوی در اختیار همه اقشار جامعه قرار گیرد، فرزندان فقیر و یتیم نیز میتوانند در کسب نقشها و پایگاههای جامعه مانند دیگر افراد جامعه موفق باشند. در شعر «طفل یتیم» پروین از کودک یتیمی سخن میگوید که با وجود توانایی، بعلت نبود امکانات لازم، در کسب مدارج و پایگاه اجتماعی ناتوان است:

رقعه دانم زدن به جامه خویش چه کنم نخ کم است و سوزن نیست
(دیوان پروین: ۱۷۸)

پروین به برخورد توانمندان با فقرا و یتیمان نیز معترض است، در شعر «طفل یتیم» کودک یتیم از سوی افراد غنی سرکوب و طرد میشود و مورد استخفاف قرار میگیرد:

همه گویند پیش ما منشین هیچ جا بهر من نشیمن نیست
بر پلاسّم نشانده اند از آن که مرا جامه خز اذکن نیست
(دیوان پروین: ۱۷۸)

برخورد تحقیرآمیز متمکنان با فرزندان یتیم و فقیر، باعث سرخوردگیهای روحی و روانی در وجود این کودکان میشود و همین سرخوردگیها، عقدههای بسیاری را در وجود آنان ایجاد میکند که باعث ناسازگاری و کجرویهای آنان در آینده میشود. در شعر «قلب مجروح» پروین از طفلی یتیم سخن میگوید که از ستم و استهزای همبازیهایش نزد مادر شکایت میکند. مادر در جواب از فقر پدر و وضعیت جامعه و تضاد طبقاتی و در نتیجه تأثیر پایگاه اجتماعی پدر بر فرزند سخن میگوید:

دی کودکی به دامن مادر گریست زار	کز کودکان کوی به من کس نظر نداشت
طفلی مرا ز پهلوی خود بیگناه راند	آن تیر طعنه زخم کم از نیشتر نداشت
اطفال را به صحبت من از چه میل نیست	کودک مگر نبود کسی کو پدر نداشت
امروز اوستاد به درسّم نگه نکرد	مانا که رنج و سعی فقیران ثمر نداشت
دیروز در میانه بازی ز کودکان	آن شاه شد که جامه خلّقان به بر نداشت
آخر تفاوت من و طفلان شهر چیست	آیین کودکی ره و رسم دگر نداشت
خندید و گفت آنکه به فقر تو طعنه زد	از دانههای گوهر اشکت خبر نداشت
از زندگانی پدر خود مپرس از آنک	چیزی به غیر تیشه و داس و تبر نداشت
بس رنج برد و کس نشمردش به هیچکس	گمنام زیست آنکه ده و سیم و زر نداشت
طفل فقیر را هوس و آرزو خطاست	شاخی که از تگرگ نگون گشت، بر نداشت

(دیوان پروین: ۳۴۱-۴۳۲)

ویژگیهای خانواده از نظر پارسونز

خانواده هسته‌ای از نظر پارسونز بشدت مبتنی و متکی بر روابط زن و شوهری است که پارسونز آن را خانواده‌ای

نکاحی نام مینهد که «در آن به جای تأکید بر ارتباطات خونی، بر روابط زناشویی تأکید میشود» (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۲۷۷). این خانواده، شکل فرزندیاب به خود میگیرد یعنی ارتباطات در آن در مسیر روابط زن و شوهری (و روابط زناشویی) و بسمت تولید نسل، شکل میگیرد و کارکردهای آن درست در همین راستا مشخص میشود. مراد پارسونز از خانواده فرزندیاب، خانواده‌ای است که با اقدام به ازدواج، شکل میگیرد و از همسر و فرزندان تشکیل میشود (پارسونز، ۱۳۶۳: ۷۲۵). دقیقاً به همین دلیل در این سنخ از خانواده، فرد از خویشاوندی وسیع فاصله میگیرد و مجموعه‌ای کوچکتر را تشکیل میدهد که یکی از مهمترین اهدافش، تولیدمثل و تربیت فرزندان است.

خانواده هسته‌ای فرزندیاب، یک واحد مسکونی و مصرفی است، نه یک واحد برای تعاملات شبانه‌روزی زن و شوهر و خویشاوندان، و یا یک واحد تولیدی - مصرفی و دقیقاً بدلیل مصرفی بودن خانواده هسته‌ای است که نیاز به اشتغال بیرون از منزل و کسب درآمد در آن بوضوح و بیش از پیش احساس میشود. از نظر پارسونز، معیشت خانواده معمولاً از طریق شغل بیرون از منزل مرد، تأمین میشود. حتی میتوان گفت از نظر او «فقط مرد است که در نظام اقتصادی، نقشی بر عهده دارد» (میشل، ۱۳۵۴: ۷۱). دقیقاً به همین دلیل یعنی حضور مرد در بسیاری از ساعات شبانه‌روز در بیرون از خانه و همچنین بدلیل حضور فرزندان در مراکز آموزشی (بمنظور مهیا شدن برای احراز مناصب شغلی در آینده)، میزان «کنار هم بودن» اعضای خانواده، در این واحد مسکونی کم است.

مبنای اصلی این خانواده، «ازدواج» است. از آنجا که استقلال اقتصادی و اجتماعی خانواده فرزندیاب از خانواده سلفی، اصلی کلی و ارزشی مسلم و البته موضوعی محقق در جامعه مدرن کنونی است، بنابراین ازدواج باید براساس «همسرگزینی آزاد» شکل گیرد. ضرورت برآوردن تعهدات و وظایف زن و شوهر در قبال یکدیگر در خانواده هسته‌ای، لزوم انتخاب شخص آنان درمورد همسر آینده‌شان را بیش از پیش روشن میکند؛ زیرا تا فرد به همسرش علاقه نداشته باشد، نمیتواند یا نمیخواهد وظایف و تعهدات مزبور را بدرستی انجام دهد. به نظر میرسد به همین جهت فرد باید خودش همسرش را انتخاب کند تا بتواند به او علاقمند شود. البته انتخاب همسر نیز بر مبنای «عشق رومانتیک» صورت میپذیرد. به عبارت دیگر محرک انتخاب همسر، عشق رومانتیک است (پارسونز، ۱۹۵۵: ۳۲). همچنین پایگاه اجتماعی خانواده هسته‌ای، مستقل از خانواده‌های جهتیاب همسران است و «تنها از طریق شغل شوهر» (میشل، ۱۳۵۴: ۶۶) به دست می‌آید.

ویژگیهای خانواده در دیوان پروین اعتصامی

پروین در خانواده‌ای متوسط، روشنفکر و فرهیخته دیده به جهان گشود. رشد فکری و شخصیتی افراد خانواده، مدیریت پدری اندیشمند و روابط عاطفی و صحیح بین اعضای خانواده او، پروین را از شرایط مطلوبی برای پرورش استعدادهای خود برخوردار میکرد. در دیوان پروین، ابیات بسیاری مبنی بر دلبنسنگی به محیط خانواده و وجود روابط نزدیک و عاطفی با پدر وجود دارد. بعلاوه زبان مردانه و غیرجنسیتی پروین، بر تسلط پدر بر روح و شخصیت پروین صحه میگذارد. با وجود این در تمام دیوان پروین، شمیم عشق میان عاشق و معشوق و مرد و زن حتی پاکترین آن دیده نمیشود و بیان آن نیز حتی در نهایت عفت، جزو محرّمات تلقی میشود. اگر در دیوان پروین بصورتی غیرمستقیم به عشق اشاره شود، منظور نوع فرازمینی و غیرمادی آن است که در بیانی انتزاعی و در پرده ابهام بیان میشود. صورت ظاهری ازدواج نیز به ضرورت، بسیار کمرنگ و محدود است و در قالب تمثیل به تصویر کشیده شده است.

در مقام علل این موضوع شاید بتوان موارد ذیل را دخیل دانست: ۱- شکست پروین در ازدواج کوتاه‌مدت و ناموفق وی. ۲- نوع تربیت خانوادگی پروین و شخصیت محبوب وی. ۳- شرایط فرهنگی و وضعیت جامعه روزگار وی که

بیان چنین مسائلی را آن هم از سوی یک زن برنمیتابید. ۴- رواج بیان مضامین اجتماعی در اشعار این دوره که طبعاً بیان موضوعاتی مانند ازدواج را طرد مینمود. ۵- رواج قالب غزل و بیان موضوعات مربوط به عشق و ازدواج در آن و استفاده پروین از قالب قطعه. ۶- شیوه تفکر و نگاه خاص پروین که روحیه او را با مفاهیم عشق و... ناهم‌هنگ میساخت.

پروین در شعر «عهد خونین» به ازدواج، مراسم خواستگاری، پیوند زناشویی و مهریه اشاره مینماید؛ در این شعر، «باز»ی از ماکیان خواستگاری میکند و تقاضای پیوند و ازدواج را دارد و به او پیراهنی از هدیه، انبار دانه و کابین ارزن وعده میدهد، اما ماکیان ازدواج و پیوند آن دو را ناهمگون و نامتناسب، و سرانجام آن را سیاهی و تبااهی میداند.

به	بام	قله‌ای	باز	شکاری	نمود	از	ماکیانی	خواستگاری
که	من	ز	آلایش	ایام	پاکم	ز	تنهایی	بسی
ز	بالا	صبحگاهی	دیدمت	روی	پسند	آمد	مرا	آن خلقت و خوی
پذیره	گر	شوی	خدمتگزاریم	هوای	صحبت	و	پیوند	داریم
بیا	همعهد	و	همسوگند	باشیم	اگر	آزاد	و	گر در بند باشیم

(دیوان پروین: ۲۳۴)

خانواده بعنوان میانه‌ای در اجتماعی شدن کودکان و همنوایی آنها باهنجارهای اجتماعی قلمداد میشود و این کارکرد بعنوان مهمترین و نخستین مسئولیت والدین خصوصاً در خانواده‌های هسته‌ای به شمار میرود. در اشعار پروین نیز، که ساختار خانواده براساس خانواده هسته‌ای استوار است، به این کارکرد توجه بسیار شده و اشاره شده که برای انجام بهتر این وظیفه، والدین میبایست آگاهی اجتماعی و درک روشنی از جامعه و اوضاع آن داشته باشند و کودکان را علاوه بر آماده نمودن برای پذیرش اجتماع و هنجارهای آن، با وضعیت جامعه آشنا سازند. از نگاه پروین خانواده نقش مهمی در تربیت اجتماعی و آشنا ساختن فرزندان با موازین و هنجارهای جامعه دارد.

آموخت	همی	که	تا	توانی	بیگاه	میر	به	برزن	و	بام
هنگام	بهار	زندگانی	سرمست	به	راغ	و	باغ	مخرام		
کوشید	بسی	که	درنمانی	روز	عمل	و	زمان	آرام		

(دیوان پروین: ۱۵۳)

پروین به اهمیت نقش مادر در تربیت، جامعه‌پذیری و درک اجتماعی فرزندان تأکید زیادی دارد:

بگفت	مادرش	این رنج	اولین قدم	است	ز	خار	حادثه،	تیه	وجود	خالی	نیست
ز	عهد	کودکی	آماده	بزرگی	شو	حجاب	ضعف	چو	از	هم	گسست،
هزار	کوه	گرت	سدّ	ره	شوند	برو	هزار	ره	گرت	از	پا

(دیوان پروین: ۲۵۸)

در هر دو نوع ساختار خانواده (هسته‌ای و گسترده) تأمین معاش خانواده جزو کارکردهای مهم محسوب میشود. برخلاف خانواده هسته‌ای، در خانواده گسترده، چنین کارکردی بصورت فعالیت اقتصادی در درون خانه، خودنمایی میکند و همه اعضا با همکاری یکدیگر انجام چنین کارکردی را بر عهده دارند. اما در خانواده هسته‌ای، والدین و اعضای بزرگسال خانواده موظف به انجام کار و تأمین معاش اعضای خانواده هستند:

صیاد سیه‌دل از کمین جست تا صید ضعیف گشت و بیجان
 بنهاد به پشتواره و بست آمد سوی خانه شامگاهان
 وان صید به دست کودکان داد

(دیوان پروین: ۱۳۴)

پروین به تأثیر مخرب کمبود حمایت اقتصادی خانواده در تزلزل پایگاه اجتماعی اعضای خانواده آگاه است:
 آخر تفاوت من و طفلان شهر چیست آیین کودکی ره و رسم دگر نداشت
 هرگز درون مطبخ ما هیزمی نسوخت وین شمع روشنایی از این بیشتر نداشت
 همسایگان ما به و مرغ می‌خورند کس جز من و تو قوت ز خون جگر نداشت
 بر وصله‌های پیرهنم خنده میکنند دینار و درهمی پدر من مگر نداشت
 (دیوان پروین: ۳۴۱)

همچنین پروین به تربیت اقتصادی فرزندان توسط والدین و آینده‌نگری آنان اشاره کرده است:
 با مرغان خویش چنین گفت ماکیان کای کودکان خرد گه کار کردن است
 روزی طلب کنید که هر مرغ خود را اول وظیفه رسم و ره دانه چیدن است
 (دیوان پروین: ۸۲)

نقش و وظایف اعضای خانواده از دید پارسونز

خانواده هسته‌ای، با ساختار و کارکردهای خاص، وظایف ویژه‌ای را نیز بر عهده زن و مرد و یا فرزندان می‌گذارد. معمولاً پارسونز به وظیفه خاصی برای فرزندان در خانواده اشاره نمی‌کند و شاید بتوان گفت سرسپردن فرزندان به تربیت والدین برای جامعه‌پذیر نمودن آنها (در مواردی که این مسئله قهری نیست) و همراهی با پدر و مادر در این مسیر، از نظر او تنها وظیفه فرزندان در خانواده است. اجتماع جدید، از دیدگاه پارسونز، براساس تخصص و تفکیک نقشها، به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دهد. خانواده نیز بدلیل آنکه پاره‌نظامی از نظام کل اجتماعی است، بر همان مبانی یعنی تخصص و تفکیک نقشها به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دهد (پارسونز، ۱۹۵۵: ۳۵). پارسونز نقشهای خانوادگی را برحسب «جنس» تفکیک می‌کند و معتقد است کسب مهارت و تخصص در زمینه ایفای نقشهای خانوادگی باید متناسب با استعدادهای طبیعی و بالقوه اعضا- که قهرأ متفاوت بوده و تفاوت آنها از ساختارهای ویژه روانی و جسمی هر یک از دو جنس ناشی می‌شود- باشد. همین مسئله، یعنی تفکیک نقشها براساس جنس و کسب تخصص متناسب با آن در خانواده، «به حفظ نظام خانوادگی کمک می‌کند و [بعلاوه] مبنای اجتماعی کردن کودک است» (میشل، ۱۳۵۴: ۷۲). این بدان جهت است که تفکیک نقشهای پدر و مادر موجب می‌شود هریک وظیفه خود را بخوبی و با توان و انگیزه کافی انجام دهند و براساس تقسیم کاری که مسلماً بر همین اساس انجام می‌گیرد، هریک از آنها بتوانند بخشی از وظیفه مشترک «جامعه‌پذیری کودک» را بر عهده گیرند. در این جریان مسلماً روند اجتماعی شدن کودک بخوبی محقق می‌شود، زیرا هریک از زن و مرد، وظیفه متناسب با خود را بخوبی و بدون دخالت مضر دیگری انجام می‌دهند و در نتیجه بطور طبیعی و بسادگی جریان جامعه‌پذیری کودک در این بستر شکل می‌گیرد.

از نظر او «مرد رئیس خانواده است و نقش نان‌آور را در رابطه با جامعه بر عهده دارد» (میشل، ۱۳۵۴: ۷۳). از آنجاکه مرد ناگزیر از انجام امور مربوط به معاش خانواده است، فرصت کمتری برای شرکت در مسائل مربوط به منزل دارد، از همین رو «خانه‌داری و بچه‌داری اساسی‌ترین فعالیت و نقشهای زن» (میشل، ۱۳۵۴: ۷۳) می‌شود. مرد به تأمین

نیازهای اقتصادی اعضای خانواده میپردازد و در عوض زن بدلیل ارتباط بیشتر و عمیقتر با فرزندان، تبدیل به محور عاطفی خانواده میگردد (پارسونز، ۱۹۵۴: ۱۸۹). از نظر پارسونز، به همین دلیل که نقش مجزا و مستقل برای عاطفه‌ورزی در خانواده وجود دارد، خانواده تبدیل به کانون عاطفه میگردد و همین بستری مناسب، جهت اجتماعی کردن صحیح و مناسب فرزندان فراهم میسازد. اساساً از نظر پارسونز، تفاوت نقشها در خانواده، شرط ضروری برای صورت پذیرفتن کارکردهای اساسی خانواده هسته‌ای است. ایفای نقشهای ابرازی - که در کار بیرون از منزل مصداق پیدا میکند - از سوی مرد و نقشهای ابرازی - که با حمایت و مراقبت از فرزندان تحقق مییابد - از سوی زن، زمینه را برای ادامهٔ حیات سالم خانواده فراهم ساخته، همبستگی را در خانواده به وجود می‌آورد.

در تحلیل پارسونز، دو قطب «رئیس» و «مرئوسین»، در خانواده وجود دارند. در حقیقت نظام قدرت در خانواده، نظام پلکانی است نه نظامی که در آن قدرت بطور مشترک و مساوی بین همهٔ اعضا توزیع شده باشد. در این نظام دوقطبی، «مرد» نقش رهبری و ریاست را عهده‌دار است و زن و فرزندان، بعنوان زیردستان و مرئوسین او در خانواده ایفای نقش میکنند. با توجه به آنکه پارسونز بر «روابط عاشقانه» بین زن و شوهر تأکید میورزد و همچنین آزاد گذاردن فرزندان را در خانواده بمنظور شکوفایی استعدادهای آنان، ضروری میداند؛ مسلماً از رهبری برداشتی همراه با سلطه و دیکتاتوری نمیتواند داشته باشد. به نظر میرسد با توجه به این قرائن، رئیس خانواده از نظر پارسونز کسی است که از ابزار ارشاد و نظارت بهره میگیرد و عهده‌دار امور مربوط به معاش خانواده است. این، سیمایی از خانواده‌ای است که پارسونز، ساخت و کارکرد آن، و وظایف و نقشهای اعضایش را ترسیم مینماید. وی معتقد است در وضع موجود، با وجود آنکه وظایف خانواده، نسبت به گذشته کمتر گشته و بسیاری از اموری که در گذشته خانواده متصدی آن بود، امروزه به سازمانها و نهادهای اجتماعی واگذار شده است، نقشی که خانواده عهده‌دار آن شده، دارای اهمیت بسیاری است (میشل، ۱۳۵۴: ۶۶) و بعلاوه در خانواده وقت بیشتری برای رسیدگی به آن وجود دارد چون تمرکز بر ایفای نقشهای محدودتری است و در نتیجه کیفیت ایفای نقش، بیشتر میشود (پارسونز، ۱۹۵۵: ۴۵).

نقش و وظایف اعضای خانواده در دیوان پروین اعتصامی

نقش زن

در زمان پروین، ساختار خانواده گسترده که ساختار مسلط و سنتی خانواده‌های ایرانی بود، در سیر تحولات و تحت تأثیر اندیشه‌های مغرب‌زمین، بتدریج تبدیل به ساختار خانواده هسته‌ای مخصوصاً در شهرها میگردید. در چنین ساختاری، زن از جایگاه ویژه و مشخصتر و از قدرت افزونتری نسبت به موقعیت خود در ساختار خانواده گسترده برخوردار است و به نوعی حکومت داخلی خانه و تدبیر اوضاع خانواده بر عهده او قرار دارد. با این حال، از آنجاکه این تغییر ساختاری، تحولی ریشه‌ای نیافته است، محدودیتهای سنتی و فرهنگ دیرینهٔ مردم‌محور همچنان وضعیت زن را تحت الشعاع خود قرار داده است. به عبارت دیگر نهادی بودن روحیهٔ تمکین در زن ایرانی که در طی قرن‌ها با آموزه‌ای اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی قرین شده و به منع آزادی و استقلال و عدم حضور اجتماعی زن و تقویت روحیهٔ تسلیم پرداخته، همچنین وضعیت نابسامان اجتماعی و سیاسی که موجب تقویت حس نگرانی و ترس از ناموس در مرد ایرانی گردیده است، شخصیتی ذاتاً محدود و محصور و خانگی از زن را در اذهان متبادر مینماید. بر همین اساس پروین در شعر «زن در ایران» میکوشد نگاه جامعهٔ ایرانی به زن را از روزگاران گذشته تا زمانهٔ خود به نمایش درآورده و اعتراض خود را ابراز نماید:

زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود پیشه‌اش جز تیره‌روزی و پریشانی نبود
زندگی و مرگش اندر کنج عزلت میگذشت زن چه بود آن روزها گر زانکه زندانی نبود
(دیوان پروین: ۱۸۸)

اما در باور پروین، وجود زن موجب انس و الفت و مهربانی در خانواده میشود. او قلب تپنده خانه و خانواده و موجب حیات آن است. زن، کانون خانواده و فضای زندگی را گرم و مالمال از مهر و محبت، صمیمیت، شفقت و شورونشاط میکند؛ به بیانی دیگر پروین سرچشمه و تجلی عشق، عاطفه، محبت و انس و الفت را از وجود عالمتاب و پرمهر زن میپندارد و بر این باور است که گوهر مهر و محبت، از پرتو روشنی‌بخش وجود او، بر کوه هستی تبلور یافته است. از نظر پروین، زن از لحظه‌ای که دیده به جهان گشود، فرشته است. خود همین فرشته دانستن زن نشانه‌ای از حرمت بیحدی است که او، برای پاکی و تقوای زن قائل است.

زن از نخست بود رکن خانه هستی که ساخت خانه بی پایست و بی‌بنیان؟
(دیوان پروین: ۱۷۱)

پروین معتقد است زن مایه سامان، رشد، تعالی و توانمندی مرد است و فقط بانوی خانه و خانواده نیست، بلکه نگهبان، نگهدار و غمخوار کانون خانواده است.

زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود طبیب بود و پرستار و شحنه و دربان
(دیوان پروین: ۱۷۱)

پروین در مثنوی «دو محضر» به ارزش و جایگاه مهم و حیاتی زن در خانه و خانواده و هنر خانه‌داری او اشاره میکند و نشان میدهد مدیریت خانه، تربیت و پرورش فرزندان و استقرار نظم و آسایش و آرامش در محیط خانه، کار سهل و آسانی نیست و به درایت، سیاست و تدبیری بسیار نیاز دارد. «او در این شعر از زن، از رنج خاموش و شکیبایی بی‌تظاهر او، از سختکوشی او در اداره خانه و تربیت فرزندان و سعی و تلاش وی در راه رفاه اهل خانه، که در چشم بیخبران و خودبینان کاری است سهل و ساده، و درواقع اصلاً کاری که ارزش گفتن داشته باشد نیست، دفاع میکند» (درودیان، ۱۳۷۷: ۹۲).

تو به محضر داوری کردی هزار لیک اندر خانه درماندی ز کار
(دیوان پروین: ۱۳۵)

پروین در این حکایت، به ضرورت و اهمیت زن در امر خانه‌داری اشاره میکند و این نکته را یادآوری مینماید که مردان هرچند مقتدر و باتدبیر باشند و نیروی انجام بسیاری از امور را داشته باشند، در مدیریت خانه با مشکل مواجه و ناتوان میشوند. پس شایسته نیست به امر خانه‌داری که کار مشکل و نیازمند درایت و سیاستی فراوان است، به دیده تحقیر نگریسته شود. نکته حائز اهمیت دیگری که پروین سعی دارد با بیان این داستان نمایان سازد، تضییع حقوق زن از سوی جامعه مردسالار زمان اوست. او در نظر دارد نشان دهد «زنان بی هیچ ادعا، شبانه‌روز در حال انجام کار هستند، اما این چنین به دسترنج‌های آنها پاسخ داده میشود. پروین میخواهد بگوید که نظام جامعه انسانی، به اندازه لازم، به اهمیت زن در زندگی خانوادگی و پیوند آن با زندگی اجتماعی پی نبرده است» (حسینیان، ۱۳۸۶: ۲۸۲).

یکی از مفاهیم و آموزه‌های بنیادینی که پروین برای آگاهی زنان بیان میکند، کسب دانش و علم‌آموزی است. او عامل سعادت، عزت و بزرگی انسان را کسب علم و دانش میداند. شاعر اندیشه‌رهایی انسان از اسارت جهل و نادانی را در سر دارد و در این میان، تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست:

چه زن، چه مرد کسی شد بزرگ و کامروا که داشت میوه‌ای از باغ علم در دامان
(دیوان پروین: ۱۷۱)

اگرچه پروین در عصر آغاز تحول و دگرگونی زندگی میکرد، از آنجا که تحت تأثیر فرهنگ مسلط بر جامعه و روحیه خود بوده، تأثیر از دگرگونی جامعه را تنها در ظاهر اشعارش نشان میدهد. او با تمام ارزشها و اختیاراتی که برای زن قائل است، بعلت جو حاکم بر جامعه، زن را همچنان در پس درهای بسته خانه نگاه میدارد و تنها در مقام «مادر» است که به زن در عمل اهمیت میبخشد.

نقش مادر

نقش مادر بعنوان برترین وظیفه‌ای که تنها زنان از توانایی بر عهده گرفتن آن برخوردارند، اهمیت بسزایی در طول تاریخ در نزد تمام ملل و فرهنگها داشته است. ازلی و مقدس بودن این نقش، چهره مثبتی از زنان عرضه میدارد و نشانه‌ای است از قدرت عاطفی و نیروی باروری آنان و نقش برجسته‌ای که در کانون خانواده بر عهده دارند. مادر، محور و مرکز خانواده، و مظهر مهر و عاطفه، عشق و مهربانی؛ مایه آرامش، پشتگرایی و احساس امنیت؛ تجلی پاکی و نجابت و اسوه ایثار و فداکاری، گذشت و بردباری؛ آغوش گرمش عامل پرورش عاطفی کودک، و معلمی دلسوز، خیرخواه و انسان‌ساز، برای تربیت و هدایت فرزندان است. این مادران هستند که در شکلهای و جهتگیری ذهن و اندیشه و دیدگاههای فرزندان خود نقش مؤثر دارند و میکوشند با تربیت و آموزش رفتار و گفتار صحیح و شایسته و اخلاق نیکو، آنان را از انحراف بازدارند و به طریق راستی و درستی رهنمون شوند. بر همین اساس برخلاف چهره زن که در فرهنگ سنتی و مردسالار سنتی ایران بصورت منفعل و منفی تصویر میشود، تصویر مادر دارای ارزش و اهمیت خاصی است. در اشعار پروین نیز مسائل تعلیمی و جایگاه و نقش تربیتی مادر در سرتاسر دیوان او به چشم میخورد.

دامن مادر نخست آموزگار کودک است طفل دانشور کجا پرورده نادان مادری
(دیوان پروین: ۴۵۹)

پروین با آگاهی به نگاه مثبت جامعه به نقش مادر به مدد احساسات مادرانه خود و نگاه دقیق و نکته‌سنج خویش و با تکیه بر تجربه‌های عینی خود، مادر را بعنوان برترین وظیفه زن ترسیم نموده است. پروین با آنکه هرگز، احساس مادرانه را تجربه نکرده و به مقام رفیع مادری نائل نشده، بارها در اشعار خود، از مهر، عشق، عطوفت و احساسات پاک مادر سخن گفته است و نغمه‌های مادرانه از بسیاری از اشعارش به گوش میرسد. از نظر پروین، دختران امروز، مادران فردا هستند و مسئولیت پرورش، تربیت و متعالی ساختن روح و جسم فرزندان، بر عهده آنان است.

همیشه دختر امروز مادر فردا است ز مادر است میسر بزرگی پسران
(دیوان پروین: ۱۷۱)

پروین در شعر «مادر دوراندیش» به نقش تربیتی مادران توجه کرده است؛ در آن، ماکیان به کودکان خرد خود پند میدهد و آیین زندگی را به آنها می‌آموزد و به تلاش و کوشش برای کسب روزی تشویق میکند و از آسان‌طلبی و تن‌پروری باز میدارد.

روزی طلب کنید که هر مرغ خرد را اول وظیفه، رسم و ره دانه چیدن است
(دیوان پروین: ۸۲)

و آنان را از خطرات پیرامونشان، دشمنان پیدا و پنهان و در کمین، و دامهای گسترده به هر کوی و بام بر حذر میدارد:

پیدا هزار دام ز هر بام کوتاهی است
پنهان هزار چشم به سوراخ و روزن است
(دیوان پروین: ۸۳)

او معتقد است اگر مردان بزرگ و نامدار و فرزانه تاریخ، به جایگاه بلند، کمال، معرفت و شهرت فراوان دست یافته‌اند، به سبب آن است که در پرتو تعلیمات هوشمندانه و در دامن پاک پرمهر و عطوفت مادرانشان، به این مقام نائل شده‌اند:

اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ
بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
(دیوان پروین: ۱۷۱)

او در شعر «آرزوی مادر» مهر و عاطفه و اشتیاق و فداکاری مادرانه را در پرورش فرزند، به زیبایی هرچه تمامتر، به تصویر میکشد. کشاورزی جهان‌دیده و زحمتکش، در سرمای سحرگاهی، خار و خاشاکی گرد می‌آورد تا نزدیک خرمن آتشی برپا کند. هنگامی که آتش شعله میکشد، ناگاه طنین فریاد پرنده‌ای فضا را پر میکند و:

تو را زین شاخ آن کو داد باری
مرا آموخت شوق انتظار
(دیوان پروین: ۲۴۹)

پروین معتقد است همانطور که مملکت بدون وجود حاکم و فرمانروا امن و آسایش و سامان نمی‌یابد، طفل بی وجود مادر، از مهر و محبت و گرمی اطمینان‌بخش محروم میشود و سامان نمی‌یابد:

حدیث مهر، کجا خواند طفل بی مادر
نظام و امن کجا یافت، ملک بی سلطان
(دیوان پروین: ۱۷۱)

پروین در شعر «رنج نخست» همین معنی را بیان میکند و از زبان مادر، کودک نوپایی را اندرز میدهد که قدمهای نخستین را برداشته است و از او میخواهد با همت، زحمت، پشتکار و امید به آینده، لحظه‌ای از تلاش و تجربه‌اندوزی بازنیستد:

هزار کوه، گرت سدّ ره شوند برو
هزار ره گرت از پا درافکنند بایست
(دیوان پروین: ۹۰)

او در شعر «حدیث مهر» از زبان کبوتر، مهر، عاطفه، عشق، ایثار و محبت خالصانه مادران را به نمایش میگذارد و از اشتیاق، رنج، زحمت و جانفشانی مادر، برای تربیت و پرورش فرزند و تعلق عاطفی مادر به او سخن میگوید و مسئولیت سنگین مادری را، با تمام سختیهایش مایه خوشبختی، و فریاد شوق و بازی کودکان را برای مادر، بسیار شیرین و دلکش و ارزشمند توصیف میکند.

شیرین نشد چو زحمت مادر وظیفه‌ای
فرخنده‌تر ندیدم از این هیچ دفتری
(دیوان پروین: ۱۹۳)

پروین مهمترین و اصلیت‌ترین وظیفه مادر را نگهداری و سرپرستی از کودکان خود میداند. شاعر در شعر «طفل یتیم» برای نمایاندن ارزش و اهمیت مادر و دامن پرمهر و عطوفت او، از زبان کودکی که مادرش را از دست داده و بدین سبب در بدبختی، رنج و محرومیت زندگی را میگذراند، مادر را همچون گلی وصف میکند که حضور او موجب طراوت، شادابی و رونق گلشن زندگی است و فقدان او زندگی را بی‌معنا و ملال‌آور میسازد.

گل اگر بود، مادر من بود چون که او نیست، گل به گلشن نیست
(دیوان پروین: ۱۰۲)

در شعر «تیره‌بخت» که گویای نگاه شاعرانه و برخورد عاطفی پروین به نقش و جایگاه مادر و ضرورت و تأثیر مهربانی و محبت او بر زندگی فرزندان است، رفتار دوگانه زن در مقام مادر و نامادری تصویر شده است. در اشعار پروین فقدان مادر بعنوان فاجعه و ضایعه‌ای دهشتناک و غیرقابل جبران ترسیم میشود و وضعیت فرزندان یتیم به شکلی بسیار تأسف‌برانگیز ترسیم میشود. او از زبان دختر تیره‌بخت، فقدان مادر را موجب بی‌سروسامانی و بدبختی زندگی فرزند میدانند و او را به بال و پری تشبیه میکند که فقدان آن، مانع رشد و تعالی انسان میشود:

مادرم بال و پرم بود و شکست مرغ، پرواز به بال و پر کرد
(دیوان پروین: ۱۱۶)

مادرم گوهر من بود ز دهر زاغ گیتی گهرم را دزدید
(دیوان پروین: ۱۹۴)

نقش پدر

در دیوان پروین برخلاف نقش مادر که بسیار مهم تلقی شده و توصیفی دقیق و عینی از آن ارائه شده است، وظیفه پدر در کانون خانواده سیمایی مبهم و انتزاعی دارد. پرداختن بسیار به نقش مادر و محوریت آن در کانون خانواده از سویی و تهی بودن اشعار پروین از موضوع عشق و سعی در سرودن اشعار غیرشخصی باعث شده نقش مرد و پدر در اشعار وی بسیار کمرنگ شود. بعنوان نمونه در شعر «بی‌پدر» تنها به ضایعه مرگ پدر (البته در کنار فقدان مادر) اشاره شده است:

بر سر خاک پدر دخترکی صورت و سینه به ناخن میخست
که نه پیوند و نه مادر دارم کاش روحم به پدر میپیوست
(دیوان پروین: ۱۷۶)

توجه بیشتر پروین به مادر، شاید بدین سبب باشد که درد بی‌مادری، جانگدازتر و دردناکتر از فقدان پدر است و تأثیر آن بر روح و روان کودک به مراتب شدیدتر است؛ علت دیگر آنکه پروین خود یک زن است و با عواطف و احساسات لطیف مادرانه؛ در نتیجه در برانگیختن عواطف و احساسات مخاطبان، بسیار موفق عمل میکند و تصاویری تأثیربرانگیز و جانسوز از زندگی کودکان بی‌مادر ارائه میدهد. با این همه پروین در مواردی از نقش پدر در خانواده، تعلیم و تربیت فرزند و عاطفه پدرانه سخن گفته است. او در شعر «ای مرغک» به کانون گرم و پرمهر خانواده اشاره میکند که با پیوند، همدلی، یکرنگی و همراهی پدر و مادر شکل گرفته است و رنجها، مرارته‌ها، دلوایس‌ها، جانفشانی‌ها و ایثار پدر و مادر را برای پرورش و تربیت فرزند، به زیبایی و به نحوی هنرمندانه به تصویر میکشد.

آن یک پدر هزار مقصود وین مادر بس نهفته فرزند
(دیوان پروین: ۲۱۴)

او در شعر «کیفر بیهنر» به جایگاه پدر و نقش تربیتی او البته در کنار مادر اشاره میکند:

سزای باغ نبودی تو، باغبان چه کند؟ پسر چو ناخلف افتاد، چیست جرم پدر؟
(دیوان پروین: ۱۴۲)

نقش همسران

پروین ادراک واقع‌بینانه‌ای از روابط همسران دارد و از نوع رفتارهای آنان با یکدیگر و مسائل و مشکلاتی که ممکن است در این میان بروز کند، به نیکی آگاه است. او در این راستا میکوشد وظایف زن و مرد را برای ایفای بهتر نقشهای آنان در خانواده ترسیم نماید. دیدگاه او براساس تفاهم، همکاری، همراهی و نفی استثمار زن بنا شده است. بدین سبب او زن را از کج‌خلقی، زیاده‌خواهی و شکوه و شکایت از کم و بیش زندگی، و مرد را از واکنش نادرست توأم با توهین و تحقیر برحذر میدارد و به احترام متقابل و ایجاد فضای گرم و آکنده از مهر و محبت میان همسران در زندگی زناشویی تأکید میکند:

ز بیش و کم، زن دانا نکرد روی ترش به حرف زشت نیالود، نیک‌مرد دهان (دیوان پروین: ۱۷۱).

پروین با آنکه زن است، همواره رویکرد متعادل و واقع‌بینانه‌ای درمورد روابط زن و مرد اتخاذ نموده و در این زمینه از برخوردهای افراطی خودداری کرده است. او به تساوی مسئولیت و مشارکت در وظایف زن و مرد معتقد است. شاعر در بیان و ترسیم وظایف زن و مرد، یکی را کشتی و دیگری را کشتیان توصیف میکند که یکی بدون یاری دیگری نمیتواند نقش خویش را ایفا نماید. اینگونه است که آنان میتوانند با خردمندی، درایت و سعی و تلاش، بی هیچ بیم و هراسی، از طوفان حوادث زندگی سربلند بیرون آیند و به ساحل سلامت و پیروزی برسند؛ بدین ترتیب در مواجهه با امواج پرتلاطم زندگی و حوادث روزگار، امید سعی و عمل برای هر دو آنها است:

وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟ یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیان

(دیوان پروین: ۱۷۱)

در دیدگاه پروین، زن باید در کنار مرد و دوشادوش او، در لحظات پرفراز و نشیب زندگی بر مشکلات زندگی فائق آید و پایداری نماید. در نظرگاه شاعر، زن در روزگار سلامت و آرامش، دوست و همراه و همدل شوهر، و در زمان حوادث و تنگناها، یار و پشتیبان اوست. «پروین میخواهد مرد و زن باتقوا باشند. او میخواهد نظام این جهان بر پایه همگرایی، همراهی و همدلی زن و مرد استوار باشد» (موحد، ۱۳۷۸: ۴۲). او قدرت و توانمندی مرد را با یاری زن میسر میداند و مهر مادری را موهبتی ارزشمند و گنجینه‌ای گرانقدر میپندارد که سرشت زنان با آن عجین شده است.

توان و توش ره مرد چیست؟ یاری زن خطام و ثروت زن چیست؟ مهر فرزندان

(دیوان پروین: ۱۷۱)

پروین به وجود همدلی و یکرنگی میان زوجین معتقد است و این نکته را عامل مهمی در ایجاد کانون خانوادگی گرم و سالم میداند:

این خانه پاک پیش از این بود آرامگه دو مرغ خرسند
کرده به گل آشیانه اندود یکدل شده از دو عهد و پیوند
یکرنگ چه در زیان چه در سود هم رنجبر و هم آرزومند

(دیوان پروین: ۱۵۱)

پروین اعتقاد دارد برای پایداری بنیان خانواده، شرط اصلی لزوم تجانس و سنخیت زوجین است:

خرابیه‌است در این سست‌بنیان به خون باید نوشت این عهد و پیمان
مرا تا ضعف عادت شد ترا زور نخواهد بود این پیوند مقدور

از این معنی سخن گفتن تباهی است چنین پیوند را پایان سیاهی است
(دیوان پروین: ۳۲۳)

نگهداری از فرزندان یکی از مهمترین وظایف و مسئولیتهای والدین از دید پروین است. پروین خانه را محل امنی برای فرزندان تلقی میکند تا در سایه حس مادرانه‌اش بر این وظیفه والدین تأکید کرده باشد:

این لانه ایمنی که داری دانی که چسان شدست آباد
کردند هزار استواری تا گشت چنین بلند بنیاد
دادند به اوستاد کاری درویش ز دستبرد صیاد
تا عمر تو با خوشی گذاری وز عهد گذشتگان کنی یاد
یک روز تو هم پدید آری آسایش کودکان نوزاد
گر دایه شوی گهی پرستار (دیوان پروین: ۱۵۱)

آن یک پدر هزار مقصود وین مادر بس نهفته فرزند

بس رنج کشید و خورد تیمار

آن بیضه به هم شکست و مادر در دامن مهر پروراندت
چون دید ترا ضعیف و بی پر زیر پر خوشتن نشاندت
(دیوان پروین: ۱۵۲)

نقش فرزندان

پروین با نگاه دقیق و حساس خویش از زاویه چشم مادرانه و با یاری احساسات رقیق و لطافت روحی خود، سیمای کودکان را در اشعارش بخوبی ترسیم کرده است. سرکشی و شیطنتهای کودکان، معصومیت و دلخوشیهای اندک و پاک کودکان در کنار توصیفات پروین از کودکان یتیم، رنگ و بوی خاصی به اشعارش بخشیده است. پروین به یاری شخصیت کودکان خصوصاً کودکان یتیم میکوشد خصلت زنانه، لطیف و احساسات عاطفی خویش را بصورتی تأثیرگذار به مخاطب ارائه نماید.

هوسهای کودکان و بی‌تجربگی را میتوان در شعر آرزوی پرواز (دیوان پروین: ۱۱۲۸-۱۲۹) و بازیهای کودکان را در این شعر زیبا مشاهده کرد:

نهاد کودک خردی به سر ز گل تاجی به خنده گفت شهان را چنین کلاهی نیست
(دیوان پروین: ۴۰۲)

نتیجه‌گیری

با توجه به نظریه کنش تالکوت پارسونز، پروین اعتصامی میکوشد مسائل اجتماعی و من‌جمله نهاد خانواده را که بسیاری از جامعه‌شناسان با آنها دست به گریبان هستند، در قالب اشعارش به نمایش بگذارد. شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه عصر پروین باعث میگردید در اشعار وی اهمیت نهاد خانواده و محیط خانه، مخصوصاً نقش مادر، بجهت سازگاری با روحیه جبراً انزواطلب و گوشه‌گیر و محافظه‌کار وی مورد تأیید و تأکید فراوان قرار گرفته و تصاویر حاصل از توصیف این محیط نیز برخلاف تصاویر انتزاعی و مبهم خارج از آن، بسیار روشن و دقیق نمایش داده شوند.

ساختار خانواده در دیوان وی از نوع هسته‌ای است و چهره عشق و ازدواج، نشان کم‌رنگی دارد که اغلب از نوع متعالی، سازنده و پاک است. محیط خانوادگی یکدست و سالم پروین و جامعه بشدت مردسالار دوره او با حاکمیت جنس مذکر، چندان حضور زن را برنمی‌تابد؛ بنابراین بیشتر شاهد بیان وظایف مادرانه هستیم. اعتقاد به اهمیت و حضور بایسته و شایسته مادر در کانون خانواده بجهت حفظ آن و تربیت صحیح فرزندان، ضرورت آگاهی اجتماعی مادران و برخورداری از دانش و خرد و ایمان و همچنین مهر مادری در اشعار پروین نمود برجسته‌ای دارد. در اشعار پروین فقدان مادر بعنوان ضایعه‌ای دهشتناک و غیرقابل جبران و وضعیت فرزندان یتیم به شکلی بسیار تأسف‌برانگیز ترسیم می‌شود.

در دیوان پروین برخلاف نقش مادر که بسیار مهم تلقی شده و توصیفی دقیق و عینی از آن ارائه شده است، وظیفه پدر در کانون خانواده سیمایی مبهم و انتزاعی دارد. پرداختن بسیار به نقش مادر و محوریت آن در کانون خانواده از سویی و تهی بودن اشعار پروین از موضوع عشق و سعی وی در سرودن اشعار غیرشخصی باعث شده نقش مرد و پدر در اشعار وی بسیار کم‌رنگ شود. همچنین پروین در ترسیم سیمای فرزندان نیز از احساسات مادرانه خود بهره گرفته و چهره آنان را از زاویه عمیق عاطفه مادرانه و با هدف خاص تعلیمی و اخلاقی خود ترسیم کرده است. پروین با انتخاب پرسوناژهای حیوانی در مناظرات خود و توصیفات دقیق و ریزبینانه از محیط خانه و نقشهای موجود در آن، بخصوص مادر، اگرچه جلوه‌ای زنانه به اشعار خود داده است، بدین طریق بر خانگی بودن جوهر زن با تمام امتیازات و حقوقی که برای وی قائل گردیده، صحنه می‌گذارد و از سوی دیگر احساسات رقیق زنانه و مادرانه‌اش را با امحای چهره و صدای خود در پس فابل تمثیلی پرندگان و کودکان و اغلب با زبانی تخیلی و مردانه بیان میکند. پروین با بیانی اخلاقی و تعلیمی میکوشد ادراکات خود از خانواده و مخصوصاً مادر را به خواننده خویش ارائه کند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار استخراج شده است. آقای دکتر علی عشقی سردهی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم اعظم ایم‌فر بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر سعید روزبهانی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله بر خود فرض میدانم از زحمات و صبوریهای بی‌دریغ خانواده‌ام که پیوسته همراه و پشتیبان من بودند تشکر و قدردانی نمایم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی

منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Azad Armaki, Taghi. (2004). Sociological theories, Tehran: Soroush.
- Azodanlou, Hamid. (2005). Getting to know the basic concepts of sociology, Tehran: Ney Publishing.
- Coen, Bruce. (2006). An Introduction to Sociology, translated by Mohsen Salasi, Tehran: Farhang Mosaer.
- Dorudian, Vali Allah. (1998). Life, the works of Parvin Etsami, a poet with calm eyes; Tehran: Iran Institute Publications.
- Etsami, Parvin. (1984). Divan of Poems and Masnaviat and Parables and Fragments, 8th edition, Tehran: Abolfath Esfahani.
- E'zazi, Shahla. (1997). Sociology of the family emphasizing the role, structure and function of the family in the contemporary era, Tehran: Roshangaran and Women's Studies.
- Foroughi, Mohammad Ali. (2006). The path of wisdom in Europe, Tehran: Zavar.
- Garrett, Hans Henrichwright Mills. (2001). Individual character and social structure, translated by Akbar Afsari, Tehran: Agah.
- Giddens, Anthony. (2011). Selection of Sociology, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: Ney Publishing.
- Mansouri, Javad. (2007). Politics and social institutions, Tehran: Amirkabir.
- Michel, Andre. (1975). Sociology of family and marriage, translated by Faringis Ardalan, Tehran: School of Social Sciences and Cooperation Publications.
- Moavhed, Abdul Hossein. (1999). Zan, Parvin, Truth or Permissibility, Tehran: Royan.
- Mokhber, Abbas. (1999). Modern social theories from Parsoner to Habermas, Tehran: Agah.
- Parsoner, Talcott. (1984). The social structure of the family, (in Jezf, Abraham; the foundations and development of sociology) translated by Hasan Pouyan, Tehran: Chapakhsh.
- Parsoner, Talcott. (1997). Talcott Parsoner and the theory of action, translated by Abbas Mohammadi Asl, Tehran: Gol Azin.
- Parsons, Talcott. & Bales. (1955). Family, Socialization & Interaction Process, The Free Press, New York.
- Parsons, Talcott. (1954). The Kinship System of the Contemporary United States. In *Essays in Sociological Theory*, pp.189- 194.
- Retizer, George. (1995). Sociological theory in the contemporary era, translated by Mohsen Salasi, Tehran: Elmi.
- Seidman, Steven. (2008). Conflict of Opinions in Sociology, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing.

- Sheikhi, Mohammad Taghi. (2008). *Sociology of Women and Family*, Tehran: Publishing Company.
- Smith, Philip. (2007). *An introduction to cultural theory*, translated by Hasan Pouyan, Tehran: Cultural Research Office.
- Sotude, Hedayatollah. (2008). *Social Pathology*, Tehran: Avaye Noor.
- Stoner, Rob. (2006). *The great thinkers of sociology*, translated by Mehrdad Mirdamadi, Tehran: Center Publishing.
- Tanhayi, Hossein. (1998). *Sociological schools and theories*, Tehran: Marandiz.
- Volk, Rene and Austen Varun. (1994). *The theory of literature*, translated by Zia Movahed, Tehran: Scientific and Cultural.
- Ward and Sherman. (1987). *New Perspectives of Sociology*, translated by Mustafa Azkia, Tehran: Keyhan.

فهرست منابع فارسی

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سروش.
- استونر، راب. (۱۳۸۵). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- اسمیت، فلیپ. (۱۳۸۶). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۶۳). *دیوان قصائد و مثنویات و تمثیلات و قطعات*، چاپ هشتم، تهران: ابوالفتح اصفهانی.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- پارسونز، تالکوت. (۱۳۶۳). *ساختار اجتماعی خانواده*، (در جزف، آبراهام؛ مبانی و رشد جامعه‌شناسی) ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش.
- پارسونز، تالکوت. (۱۳۷۶). *تالکوت پارسونز و نظریه کنش*، ترجمه عباس محمدی اصل، تهران: گل‌آذین.
- تنهایی، حسین. (۱۳۷۷). *مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: مرن‌دیز.
- درویان، ولی‌الله. (۱۳۷۷). *زندگی، آثار پروین اعتصامی، شاعری با چشمهای آرام*؛ تهران: انتشارات مؤسسه ایران.
- رتیزر، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- سیدمن، استیون. (۱۳۸۷). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۴). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۸۵). *سیر حکمت در اروپا*، تهران: زوار.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۵). *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.
- گرت، هانس هانریش و رایت میلز. (۱۳۸۰). *منش فرد و ساختار اجتماعی*، ترجمه اکبر افسری، تهران: آگاه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). *گزیده جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نشر نی.
- مخبر، عباس. (۱۳۷۸). *نظریه‌های اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، تهران: آگاه.
- منصوری، جواد. (۱۳۸۶). *سیاست و نهادهای اجتماعی*، تهران: امیرکبیر.

موحد، عبدالحسین. (۱۳۷۸). زن، پروین، حقیقت یا مجاز، تهران: رویان.
میشل، آندره. (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
ورد و شرمن. (۱۳۶۶). دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: کیهان.
ولک، رنه و آستن وارون. (۱۳۷۳). نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد، تهران: علمی و فرهنگی.

Parsons, Talcott. (1954). The Kinship System of the Contemporary United States. In *Essays in Sociological Theory*, pp.189- 194.
Parsons, Talcott. & Bales. (1955). Family, Socialization & Interaction Process, The Free Press, New York.

معرفی نویسندگان

اعظم ایمن‌فر: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.
(Email: imenfar.azam@gmail.com)
علی عشقی سردهی: استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.
(Email: eshghi@iaus.ac.ir : نویسنده مسئول)
سعید روزبهانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.
(Email: roozbahani@iaus.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Azam Eimanfar: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.
(Email: imenfar.azam@gmail.com)
Ali Eshghi Sardehi: Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.
(Email: eshghi@iaus.ac.ir : Responsible author)
Saeed Roozbahani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.
(Email: roozbahani@iaus.ac.ir)